

رضامحمدی فیروزجایی

بی‌ملاحظه در برابر قلدران و مستکبران

نگاهی به چرایی و چگونگی مقابله امام خمینی (ره) با استکبار

اشاره:

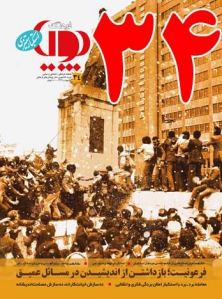
حضرت امام خمینی (ره) در جایگاه بت‌شکن بزرگ زمان، ابراهیم‌وار در برابر فرعون‌ها و مستکبران زمان خود ایستاد و هرگز تسلیم آنان نشد. این مقاله نگاهی کوتاه دارد به ابعاد استکبارستیزی در بیان و سیره امام (ره).

مفهوم مستکبر از نگاه امام خمینی (ره)

جائر، سلاطین ستمگر که ملت‌های خودشان را ضعیف می‌شمردند و به آن‌ها تعدی می‌کنند، دست تعدی به ملت‌ها دراز می‌کنند.^۱ از این رو از دیدگاه ایشان، مستکبران دارای بیماری روحی هستند؛ چراکه خود را بزرگ و دیگران را کوچک می‌شمارند: "جهان در نظر این مستکبرین غیر جهان است. مستکبرین، جهان را از آن دید خاص استکباری خود و آن بیماری روحی که در آن‌ها هست نگاه می‌کنند. و این بیماری موجب این شده است که توده‌های بزرگ ملت‌ها را این‌ها از جهان حساب نمی‌کنند."^۲

برای شناخت مفهوم مستکبر و مستکبران از نگاه امام خمینی (ره)، باید به بیان خود ایشان مراجعه شود. ایشان در تبیین مفهوم "مستکبر" می‌گویند: "مستکبرین منحصر نیستند به سلاطین، منحصر نیستند به رؤسای جمهور، منحصر نیستند به دولت‌های ستمگر. مستکبرین یک معنای اعمی دارد؛ یک مصداقش همان اجانب هستند که تمام ملت‌ها را ضعیف می‌شمردند و مورد تجاوز و تعدی قرار می‌دهند؛ یک مورد هم همین دولت‌های





مصادق مستکبران از دیدگاه امام(ره)

از نگاه امام(ره)، همه حکومت‌هایی که در پی استثمار دیگر کشورها هستند مستکبر به شمار می‌آیند؛ از این رو تفاوتی ندارد که این دولت مستکبر، آمریکا باشد یا هر کشور دیگری. ایشان همان‌گونه که آمریکا را "شیطان بزرگ" نامیده و اعلام می‌کردند که: "آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است"؛ شوروی سرچشمه ربا و دروغ، انگلیس استثمارگر کهنه‌کار و حتی چین سرخ به اصطلاح انقلابی را نیز نمادهای استکبار به شمار می‌آوردند.^۴ بر همین اساس به صراحت اعلام می‌کردند که: "آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از هم بدتر؛ همه از هم پلیدتر."^۵

مبانی عملی و نظری استکبارستیزی امام خمینی(ره)

مبنای عملی

روحیه استکبارستیزی و سازش‌ناپذیری امام(ره)، از شجاعت و آزادگی ایشان سرچشمه می‌گرفت. استکبارستیزی امام راحل(ره) ناشی از روح ایمان و توکل بالای ایشان بود که موجب می‌شد تا هیچ‌گونه ترسی از ستیز با مستکبران نداشته باشند. حجت‌الاسلام والمسلمین غبوری در این باره می‌گوید: در طول عمرم کسی را شجاع‌تر از ایشان سراغ ندارم. برای یک بار هم در طول مدتی که خدمتشان بودم، ایشان را ترسان ندیدم، اگر مطلبی را تشخیص می‌داد که وظیفه است، تا سر حد شهادت دنبال می‌کردند و با قاطعیت و بدون هراس از پیشامدهایش، دنبال می‌نمودند.^۶ آیت‌الله فاضل لنکرانی در این باره به ذکر خاطره‌ای می‌پردازد: "به یاد دارم در یکی از سخنرانی‌هایی که امام در مسجد اعظم در همان سال‌های اول مبارزه در حضور جمع زیادی از مردم ایراد کردند می‌فرمودند که از هیچ تهدید و مساله‌ای ترسی به دل ندارند. در واقع هرگاه ممکن بود که به دلیلی از سویی مساله‌ای یا وحشتی به وجود آید، ترسی در امام مشاهده نمی‌شد. در همان سخنرانی -البته به درستی به یاد ندارم که قسم هم خوردند یا نه- هنگامی که شصت و سه سال از عمرشان می‌گذشت، فرمودند: من تا به حال از کسی و از چیزی به هیچ وجه نترسیده‌ام و در من خوف راه پیدا نکرده است."^۷

علامه محمد تقی جعفری نیز می‌گوید: "شخص دانشمند موثقی برای این‌جانب نقل کرد که با عده‌ای از فضلا در حضور امام نشستیم بودیم، سخن از هر دری درباره قدرت‌های بزرگ دنیا می‌رفت که ایشان فرمودند: من تاکنون به یاد ندارم از چیزی یا کسی ترسیده باشم، جز خداوند متعال."^۸

امام(ره) به تأسی از پدر بزرگوارشان که در این راه جان خود را هم از دست داده بود، روحیه سازش‌ناپذیری در برابر ظلم و بی‌داد و استبداد داخلی و خارجی داشتند. ایشان در عمل نیز با رهبری نهضت اسلامی ملت ایران، "استکبارستیزی" و سازش‌نکردن با ظلم و استبداد را به منصف ظهور رسانیدند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تشکیل نظام جمهوری اسلامی بیش از پیش به این عامل مهم، توجه کردند. جمله معروف ایشان مبنی بر این که "قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود، که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است، ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرهنگان مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگاه جهان‌خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویش اصرار می‌نمایند،

سلب خواهد کرد"^۹ از گام عملی امام(ره) در راه مقابله با استکبار و استبداد حکایت داشت. ایشان به‌طور مشخص با اشاره به آمریکا، به‌عنوان نماد استکبار جهانی، این کشور را به مبارزه عملی تهدید می‌کردند: "آمریکای جهان‌خوار باید بداند که ملت عزیز و خمینی تا نابودی کامل منافعی او را راحت نخواهند گذاشت و تا قطع هر دو دست آن به مبارزه خدایی خود ادامه خواهند داد."^{۱۰} امام(ره) در این رویه، از استراتژی مدون مبارزه برخوردار بودند. این استراتژی دو مرحله داشت؛ یا مبارزه منفی بود و یا مبارزه مثبت، مبارزه مثبت نیز چند مرحله داشت؛ اول از همه مبارزه نظامی بود: "اگر امروز دولت‌های منطقه با سلاح نفت و سلاح گرم در مقابل این جنایتکاران بایستند، مسأله اسرائیل و پس از آن آمریکا و هر قدرتمند چپاولگر دیگر حل می‌شود"^{۱۱} و دیگری؛ مبارزه فرهنگی و سوم مبارزه سیاسی. ایشان همچنین برخی نمادهای دینی و مذهبی از قبیل روز قدس را مستمسکی برای مبارزه با مستکبران قرار می‌داد: "روز قدس... روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است... روزی است که باید مستضعفین... دماغ مستکبرین را به خاک بمالند."^{۱۲}

مبنای نظری

مبنای نظری امام(ره) هم ریشه‌ای قرآنی داشت. ایشان با توجه به ریشه‌های قرآنی بحث "استکبارستیزی" دو اصل مهم قرآنی را اساس عامل مذکور به شمار می‌آورند؛ این دو اصل عبارتند از "قاعده نفی سبیل" و "تولی و تبری":

۱. نفی سبیل

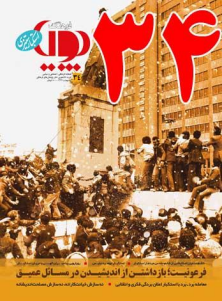
امام(ره) با تمسک به آیه ۱۴۱ سوره نساء که بر نفی سلطه کافران بر مسلمانان و سلطه‌ناپذیری مسلمانان تأکید دارد، قاعده معروف "نفی سبیل" را مبنای "استکبارستیزی" قلمداد و خاطر نشان می‌کنند: "قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمسلم بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع شود، یک تسلطی، یک راهی، اصلاً یک راه نباید پیدا بکنند، لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا، اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین و این قدرت‌های فاسد... بر مسلمین."^{۱۳} امام(ره) دقیقاً بر اساس همین مبنای دینی، بر نفی سلطه‌پذیری از سوی مسلمین تأکید می‌کرد: "ما منطق مان، منطق اسلام است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد، نباید شما تحت سلطه غیر باشید، ما هم می‌خواهیم نباشد سلطه غیر، ما اصل گفتنمان این است که آمریکا نباید باشد، نه آمریکایی‌ها، شوروی [سابق] هم نباید باشد، اجنبی نباید باشد."^{۱۴}

۲. تولی و تبری

تولی و تبری، در اصطلاح به معنای دوست داشتن دوستان خدا و دشمن داشتن دشمنان خداوند است و از فروع دین به شمار می‌آید. امام(ره) با تمسک به این اصل که ریشه‌ای قرآنی دارد، بر "استکبارستیزی" تأکید می‌کند: "تولی و تبری دو اصل اساسی اسلام است. باید با حکومت عدل موافق و به حاکم عادل دل ببندید و از رژیم غیر اسلامی... تبری کنید."^{۱۵}

چرایی استکبارستیزی امام خمینی(ره)

امام(ره) با این مبانی فکری از مسلمانان می‌خواهد با نمادهای استثمار و استکبار در دنیا مبارزه کنند: "مسلمانان... باید به فکر رمی استثمار از کشورها و سرزمین‌های خود باشند و برای بیرون‌راندن جنود ابلیس و برچیدن پایگاه‌های نظامی شرق و غرب از کشورهای خود تلاش



است؛ رشته تعهد به اسلام و ایستادگی در مقابل ظلم و ستم و دیکتاتوری و قدرت‌های شیطانی و سازش.^{۱۴۱} امام(ره) با این نگاه و از این منظر نتیجه می‌گیرند که خط "استکبارستیزی" و "سازش‌ناپذیری" ریشه‌های دینی و تاریخی دارد که یک‌سوی آن انبیا و صلحا و در سوی دیگر آن راحت‌طلبان و سازشکاران هستند، و از آن جایی که دین و انبیا و صلحا در پی سعادت جامعه‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که این عامل، تأثیر چشمگیری در انحطاط‌زدایی از پیکره جامعه اسلامی دارد.



وجوه استکبارستیزی امام(ره)

وجوه استکبارستیزی امام(ره) را می‌توان با مراجعه به آرای ایشان، این‌گونه برشمرد:

- ۱. ماهیت الهی و اسلامی:** هنر امام(ره) این بود که به استکبارستیزی، ماهیتی الهی و اسلامی داد تا با رویکردی دینی با این پدیده برخورد کند. ایشان می‌فرمایند: "مبارزه‌ای که الآن بین کفر و اسلام است، این مبارزه بین ما و آمریکا نیست، بین اسلام است و کفر"^{۱۴۲} و بر همین اساس در تبیین آیه "قل انما اعظمک بواحدہ ان تقوموا لله" تأکید می‌کنند که: "خدای تعالی در این کلام شریفه، از سرمنزله تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده، و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میان تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است... خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده."^{۱۴۳} به اعتقاد ایشان، استکبارستیزی ریشه‌ای قرآنی دارد: "این بی‌انصاف‌ها قرآن را که در دسترس همه هست نادیده گرفتند، آن وقت می‌گویند که اسلام آمده است که مردم را مستضعفین را خواب کند و مستکبرین را بر آن‌ها غلبه بدهد! این قرآنی که قتال در آن هست عرض می‌کنم که، جنگ مستضعف بر مستکبر هست، سر تا ته آن راجع به فرعون، راجع به اشخاص دیگر و راجع به مستکبرینی که در آن عصر بودند هست، و مردم را وادار کرده بر ضد آن‌ها."^{۱۴۴}
- ۲. ماهیت نبوی:** ماهیت نبوی را نیز می‌توان در امتداد ماهیت الهی و اسلامی ذکر کرد. از نگاه ایشان، استکبارستیزی در امتداد حرکت پیامبران است: "همه انبیا آمدند و با قلدرها دعوا کردند البته آن‌هایی که می‌خواهند انبیا را قبول نکنند و وابستگان به انبیا را محکوم کنند، آن‌ها می‌گویند که دین برای این است که مردم را تخدیر کند، این‌ها تخدیر می‌کنند و قدرت‌های بزرگ می‌چاپند. ولی هر کس نگاه کند به سیره انبیا

کنند...^{۱۴۵} چراکه اولاً موجب پیروزی و عظمت‌بخشی به مسلمین می‌شود: "مستقیم باشید، پایدار باشید که پیروز هستید."^{۱۴۶} دوم این که موجب استقلال و رفع وابستگی می‌شود: "ملتی که می‌خواهد زنده باشد و می‌خواهد مستقل باشد و نوکر نباشد، وابسته نباشد و می‌خواهد آزاد باشد و تحت سلطه نباشد، این ملت باید مهیا باشد برای همه چیز"^{۱۴۷} سوم این که موجب نفی ذلت و حفظ شرافت انسان‌ها می‌شود: "اگر ما تسلیم آمریکا و ابرقدرت‌ها می‌شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می‌شد... ولی مسلماً استقلال و آزادی و شرافتمان از بین می‌رفت... هرگز ملت زیر بار این ننگ نخواهد رفت و تن به این نخواهد داد... [و] در مقابل آمریکا می‌ایستد و به امید خداوند پیروز است."^{۱۴۸} چهارم این که موجب جلوگیری از تخریب و ویرانی بلاد اسلامی خواهد شد: "اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر آمریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است و باید چنگ و دندان ابرقدرت‌ها و خصوصاً آمریکا را شکست"^{۱۴۹} و پنجم این که موجب ایجاد صلح و رفاه در جهان خواهد شد: "سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است."^{۱۵۰}

این پنج عامل از دیدگاه امام(ره) عوامل مؤثر در اعتلای جهان اسلام به واسطه تشبیه اصل "استکبارستیزی" به شمار می‌آیند و علت غایی آن نیز "توحید" و حاکمیت همه‌جانبه آن است تا به این وسیله، پیشرفت و سعادت جامعه اسلامی تضمین شود: "ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم، ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم، ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم."^{۱۵۱} درست به همین دلیل بود که امام(ره) با ترسیم دو خط در جهان اسلام، به تبیین نقش استکبارستیزی

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن

را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار

دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا

ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را

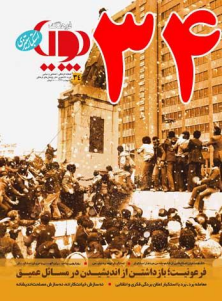
قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و

ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن

کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر

این که شمار از دینتان برگردانند.

و سازش‌ناپذیری در روند مبارزاتی صالحان پرداخته، دو راه حق و باطل را معیار برای شناخت عظمت سازش‌ناپذیری و ذلت سازش با بیگانگان معرفی می‌کنند. ایشان این دو خط را "خط سازش" و "خط جهاد" نامیده، می‌گویند: "از صدر اسلام تاکنون دو طریقه، دو خط بوده است: یک خط، خط اشخاص راحت‌طلب که تمام همشان به این است که یک طعمه‌ای پیدا بکنند و بخورند و بخوابند... یک دسته دیگر هم انبیا بوده‌اند و اولیای بزرگ. آن هم یک مکتبی بود و یک خطی بود، تمام عمرشان را صرف می‌کردند در این که با ظلم‌ها و با چیزهایی که در ممالک دنیا واقع می‌شود، همشان را این‌ها صرف می‌کردند در مقابله با این‌ها..."^{۱۵۲} و با این جمله نتیجه می‌گیرند که "این دو رشته از اول خلقت تا حالا بوده



سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آن‌ها عنایت فرموده است نمی‌رسند.^{۳۳}

۶. ماهیت ترسیدن در برابر مستکبران: امام(ره)، یکی از وجوه و ماهیت‌های استکبارستیزی را نهراسیدن در برابر مستکبران می‌دانند. به اعتقاد ایشان، "یک ملت وقتی که همه باهم یک مطلب را خواستند، نمی‌شود... جلوی این ملت را گرفت، این ملت مثل یک سیل خروشان‌ی الآن حرکت کرده... خیال نکنید بترسند از این که آمریکا ابرقدرت است و شوروی ابرقدرت است و این‌ها؛ همچو ترسی نمی‌کنند؛ همچو چیزی

امام(ره) صریحاً در جبهه مخالف قلدان بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کرد. این است که امام(ره) در مقابله میان قلدان و مستکبران و قدرتهای زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی‌تقیه این را بیان می‌کرد. طرفدار جدی مظلومان جهان بود. امام(ره) با مستکبرین سر‌آشنی نداشت. واژه "شیطان بزرگ" برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام(ره) بود.

نمی‌شود.^{۳۴} این ترسیدن موجب می‌شود تا کوچک‌ترین انفعالی در برابر دشمن نداشته باشند: "مردمی که در زیر بمباران‌ها و در تمامی مصائب، خود را برای یک مبارزه طولانی آماده کرده‌اند هرگز حاضر نیستند کوچک‌ترین نرمشی در مقابل جهان استکبار داشته باشند."^{۳۵}

امام استکبارستیز از دیدگاه رهبر استکبارستیز

امام خامنه‌ای در تبیین وجوه استکبارستیزی امام راحل عظیم‌الشان به نکات مهمی اشاره می‌کنند. با مراجعه به سخنان ایشان می‌توان وجوه استکبارستیزی امام(ره) از نگاه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را این‌گونه برشمرد:

۱. موضع‌گیری شفاف و بی‌پیرایه: "منش و ذات و رفتار دولت ایالات متحده آمریکا، مداخله‌گری و سلطه‌گری است؛ امام در مقابل این، موضع صریح و شفاف گرفت. امام بزرگوار با پرچم اسلام، با پرچم ضدیت با سلطه و سلطه‌گرایی در این کشور قیام کرد و این کار بزرگ را به ثمر رساند."^{۳۶}

۲. بی‌اعتنایی به مستکبران: "این که امام به مستکبرین هیچ اعتمادی و هیچ اعتقادی نداشت، موجب می‌شد که به وعده‌های آن‌ها اعتنایی نکند. رئیس‌جمهور آمریکا-ریگان، که رئیس‌جمهور مقتدری هم بود- به امام نامه نوشت و پیغام فرستاد و آدم فرستاد، امام به او اعتنایی نکرد، پاسخی به او نداد و اعتنایی نکرد و وعده‌ای را که او داده بود، امام به هیچ گرفت.

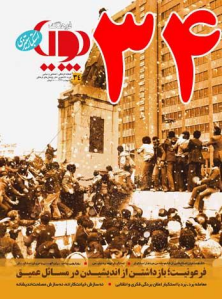
در یک مورد دیگر، یک وعده‌ای در مورد پایان جنگ تحمیلی، یکی از دولت‌های وابسته به آمریکا داده بود، بحث صدها میلیارد یا هزار میلیارد در میان بود، امام اعتنایی به آن نکردند، اعتماد نکردند. ما حالا در قضایای گوناگون جاری خودمان داریم همین معنا را لمس می‌کنیم، می‌بینیم که چطور نمی‌شود به وعده مستکبرین اعتماد کرد، به حرف‌هایی که در جلسه خصوصی می‌زنند نمی‌شود اعتماد کرد، این را داریم لمس می‌کنیم، امام آن را جزو خطوط اصلی کار خود قرار داد، اعتماد به خدا، بی‌اعتمادی

از صدر عالم تا حالا، می‌بیند که آتی که اطراف انبیا جمع شدند مظلوما هستند، آتی که مقابل انبیا بودند قلدرها بودند. ما هیچ نبی‌ای را سراغ نداریم که با یک قلدری ساخته باشد به ضد ملت خودش. و هیچ وصی نبی‌ای را سراغ نداریم که ساخته باشد به ضد ملت خودش. این سیره انبیا از صدر عالم تا زمان خاتم همین بوده است که در مقابل این قدرت‌هایی که ظالم بودند- منتها هر کدام در یک محیطی بودند- از آن‌جا شروع کردند. حضرت موسی(ع) در یک محیطی بوده از آن‌جا شروع کردند. لکن مقصد این بوده است که ریشه استکبار را از جهان بکنند و مردم را از این ظلم‌هایی که بر ایشان می‌شود نجات بدهند. از این جهت، دو طایفه به شما توجه دارند: یک طایفه مستکبرین و سودجوها و طوایفی که به آن‌ها وابسته هستند. آن‌ها را توقع نداشته باشید که با شما صلح بکنند، آن‌ها هم نخواهند صلح کرد. آن‌ها همه‌شان همان برنامه "فرعون" ها را دارند که سرسازش هیچ ندارند و یک دسته هم مستضعفین جامعه هستند که اکثریت و یک اکثریت محروم هستند، این دسته هم با شما هستند."^{۳۷}

۳. ماهیت ظلم‌ستیزی: یکی دیگر از وجوه استکبارستیزی از دیدگاه امام(ره)، ماهیت ظلم‌ستیزی این مقوله است. به تعبیر ایشان، "خدای تبارک و تعالی ما را مکلف کرده که با این طور اشخاص، با این طور ظلمه، با این‌هایی که اساس اسلام را دارند متزلزل می‌کنند و همه مصالح مسلمین را دارند به باد می‌دهند، ما مکلفیم که با این‌ها معارضه و مبارزه بکنیم. اگر یک‌وقتی هم دستمان برسد، دست به تفنگ می‌بریم و معارضه می‌کنیم. خودمان تفنگ به دشمنان می‌زنیم و معارضه با آن‌ها می‌کنیم."^{۳۸} با توجه به این دیدگاه نیز تاکید می‌کردند: "نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هر گز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر این که شما را از دینتان برگردانند."^{۳۹}

۴. ماهیت سازش‌ناپذیری: سازش‌ناپذیری و رابطه‌نداشتن با مستکبران را نیز بایستی یکی از مهم‌ترین وجوه استکبارستیزی در اندیشه امام(ره) دانست. صراحت ایشان در نفی هرگونه سازش و رابطه با استکبار جهانی مثال‌زدنی است. ایشان در جایی می‌فرمایند: "کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!... اگر بندبند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم."^{۴۰} به همین دلیل رابطه با مستکبران را رابطه بره با گرگ می‌دانند: "خیال نکنید که روابط ما با آمریکا و روابط ما با نمی‌دانم شوروی و روابط ما با این‌ها یک چیزی است که برای ما یک صلاحی دارد. این مثل رابطه بره با گرگ است! رابطه بره با گرگ، رابطه صلاحمندی برای بره نیست، این‌ها می‌خواهند از ما بدوشند، این‌ها نمی‌خواهند به ما چیزی بدهند."^{۴۱}

۵. ماهیت حق حاکمیت مستضعفان: در اندیشه حضرت امام خمینی(ره)، تا مستکبران هستند، حاکمیت مستضعفان محقق نخواهد شد. بر همین اساس معتقد بودند برای ایجاد صلح در زمین، باید محرومان به حکومت برسند و این امر محقق نمی‌شود مگر با نابودی مستکبران: "سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این



به مستکبران. این البته به معنای قطع رابطه با دنیا نبود، [چون] سران کشورها به مناسبت‌های مختلف برای امام پیام تبریک می‌فرستادند، امام هم به پیام تبریک آن‌ها جواب می‌داد. ارتباط این‌جوری، در حد معمول، مؤدبانه و محترمانه وجود داشت اما هیچ‌گونه اعتمادی به مستکبرین و قلدران و تبعه و دنباله‌روان آن‌ها وجود نداشت.^{۳۱}

۳. صراحت و قاطعیت تمام: امام صریحاً در جبهه مخالف قلدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کرد. این است که امام در مقابله میان قلدران و مستکبران و قدرت‌های زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی‌تقیه این را بیان می‌کرد. طرفدار جدی مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سر آشتی نداشت. واژه "شیطان بزرگ" برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت؛ عنوان شیطان بزرگ راه هم به کار می‌برد، هم از بن دندان اعتقاد به این معنا داشت.^{۳۲}

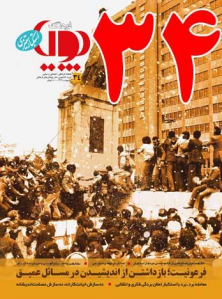
۴. بی‌ملاحظه در برابر قدرت‌های شرقی و غربی: امام بزرگوار در طول این سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد، دفاع کرد. از فلسطین دفاع کرد، از افغانستان دفاع کرد. آن روزی که شوروی‌ها وارد افغانستان شدند، با این که ما گرفتار دشمنی آمریکا بودیم - دولت‌ها معمولاً در این مواقع که با یک طرف گرفتاری دارند، با طرف دیگر می‌سازند - امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوروی موضع قاطع گرفت، که این موضع قاطع را حتی بعضی از دولت‌هایی که گرایش غربی داشتند هم نگرفتند

اما امام بزرگوار بدون هیچ ملاحظه‌ای از ملت افغانستان حمایت کرد.^{۳۳} و "امام در قضیه مقابله با شبکه صهیونیستی خطرناکی که بر دنیا می‌خواهد حکومت بکند، هیچ ملاحظه‌ای نکردند، حرفی را پوشیده نگذاشتند، صراحتاً در مقابل صهیونیسم موضع گرفت.^{۳۴}

۵. مردمی کردن مبارزه با مستکبران: امام پانزده سال مبارزه کرد و به برکت همان ایمان آگاهانه توانست ملت ایران را یکپارچه به صحنه روبرویی با استبداد داخلی و استکبار بین‌المللی بکشاند. وقتی ملت در معرکه‌ای پای خود را وسط گذاشت، پیروزی در آن معرکه حتمی است. فرق امام بزرگوار ما و دیگر مصلحان تاریخ اسلام در یکی دو قرن اخیر همین بود. امام وارد صحنه شد، وسط میدان آمد، میان مردم بود، با مردم حرف زد، اصول خود را برای مردم تبیین کرد و آن‌ها را به ایمان روشن‌بینانه و آگاهانه‌ای مثل ایمان خود رساند؛ آن‌گاه ایمان و انگیزه مردم و تعالیم اسلام، معرکه را به سود حق و حقیقت تمام کرد. دیگران نمی‌توانستند و نتوانستند این مرحله دشوار را پیش ببرند؛ اما امام توانست. ملت ایران به این اصول اعتقاد پیدا کرد، ایمان آورد و در راه آن به مجاهدت پرداخت. نتیجه این شد که اولاً نظام اسلامی علی‌رغم همه کارشکنی‌ها و دشمنی‌ها به پیروزی رسید و روزبه‌روز تا امروز ریشه‌دارتر شد و ثانیاً فکر تحقق و حیات دوباره اسلام و نجات امت اسلامی از ظلم و استکبار قدرت‌های مستکبر، در مرزهای این کشور محدود نماند.^{۳۵}

۶. فرهنگ غالب برای انقلاب و جمهوری اسلامی: هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که چارچوب محکمی را برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه قدرت‌ها و جریان‌های سیاسی مسلط هضم شود. شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی"، یا شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" که تعالیم امام و خط اشاره انگشت





امام اجازه ملاقات به او نداده بود؛ لذا او هم به حضور آقا مصطفی رفته و گفته بود: اگر امام علیه کاپیتو لاسیون حرف می زند مواظب باشد علیه آمریکا حرف نزند. امروز علیه آمریکا حرف زدن خیلی خطرناکتر از سخن گفتن علیه شاه است. همین باعث شد که امام در آن سخنرانی خود فرمودند: رئیس جمهور آمریکا بداند که امروز در پیش ملت ما از منفورترین افراد بشر است. امروز تمام گرفتاری‌های ما از آمریکاست! و شدیدترین حمله‌ها را به آمریکا کردند.

امام می‌آید چنین و چنان است و... و گفت به امام بگو مواظب باش... من به او گفتم: چه می‌گویی؟ امام به رئیس‌جمهور آمریکا خطاب کردند و گفتند: منفور جامعه است، کسی که به رئیس‌جمهور آمریکا این را بگوید از این‌ها بترسد؟ اگر من این حرف شما را به امام بگویم ایشان مرا از این‌جا بیرون می‌کنند. آن آقای مترجم وقتی این حرف‌ها را شنید خوشحال شد و با خنده بیرون رفت.^{۳۶}

۵. در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ مجلس شورای ملی برای مصونیت‌بخشیدن به مستشاران و دیگر اتباع آمریکا در ایران، لایحه کاپیتولاسیون را تصویب کرد. پس از تصویب این قانون، امام (ره) به خشم آمدند. رژیم که فهمیده بود امام (ره) به این مسأله واکنش نشان می‌دهند، یکی از بستگان نزدیک ایشان را، که با رژیم نیز در ارتباط بود، خدمت امام (ره) فرستاد. هدف این بود که ایشان قانع شوند و از آمریکا سخنی به میان نیاورند. این شخص پس از ورود به قم از آن‌جا که نتوانسته بود از امام (ره) اجازه ملاقات بگیرد، با حاج آقا مصطفی صحبت کرده و گفته بود الان جو به اندازه‌ای حساس است که آمریکا دارد میلیون‌ها تومان در این مملکت خرج می‌کند تا وجهه کسب کند. الان انتقاد از آمریکا و حمله به آن، به مراتب از حمله به شاه خطرناک‌تر است. اگر امام برنامه‌ای برای سخنرانی دارند، مواظب باشند که به آمریکا چیزی نگویند، حتی به شاه هم حمله نکنند، مهم نیست.

به این ترتیب، امام (ره) فهمیدند که نقطه ضعف رژیم در کجاست. به همین دلیل در سخنرانی تاریخی ضد کاپیتولاسیون که در قم ایراد کردند فرمودند... رئیس‌جمهور آمریکا بداند که امروز در این کشور یکی از منفورترین افراد بشر است. امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است... قانونی در مجلس بردند... اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد.^{۳۷}

۶. حجت‌الاسلام رحیمیان: "صبح روزی که قرار بود انوار شوارز نادره وزیر امور خارجه شوروی برای تقدیم پاسخ گورباچف خدمت امام (ره) مشرف شود، طبق معمول روزهای دیگر، رأس ساعت ۸ برای تشریف به محل همیشگی رفتم. اما بر خلاف معمول، هنوز امام (ره) به اتاق ملاقات‌ها تشریف نیاورده بودند. وزیر امور خارجه شوروی همراه مقام‌های وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به طور ایستاده در اتاق منتظر قدم امام (ره) بودند. برای پذیرایی دو کار بی‌سابقه انجام گرفته بود: یکی آن که برای اولین بار، چند صندلی که البته از جای دیگر عاریه آورده بودند، برای



ایشان در دهان مردم انداخت، معنایش این بود که این انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیسم اردوگاه آن روز شرق ارتباطی دارد، نه به اصول سرمایه‌داری لیبرال اردوگاه غرب. علت این که شرق و غرب با این انقلاب دشمنی کرده‌اند و سرسختی نشان داده‌اند، همین بود.^{۳۸}

نگاهی به سیره استکبارستیزی امام استکبارستیز

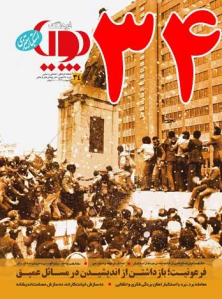
در این باره ذکر چند خاطره، خالی از لطف نیست:

۱. حجت‌الاسلام آشتیانی: "یک روز حاج احمد آقا نقل می‌کرد امام فرموده‌اند: اگر من بودم با ورود اولین ناو آمریکایی به خلیج فارس آن را هدف قرار می‌دادم. با این نظر قاطع ایشان، مسؤولیت سران کشور بسیار سنگین شده بود و در عین حال که عنوان می‌داشتند نظر امام باید تأمین شود و به این موضوع هم اعتقاد داشتند ولی به منظور صحبت بیشتر در مورد تبعات این برخورد نزد امام رفتند. امام فرمودند: اگر چه من گفتم که اگر من بودم اولین ناو آمریکایی را هدف قرار می‌دادم، لیکن شما سران کشور بحث بیشتر کنید و پس از مشورت با کارشناسان نظامی تصمیم آخری را که مصلحت نظام و مسلمانان در آن باشد اتخاذ کنید."^{۳۹}

۲. حجت‌الاسلام حمید روحانی: "در قضیه کاپیتولاسیون، یکی از مقامات آمده بود قم که با امام ملاقات کند. امام اجازه ملاقات به او نداده بود؛ لذا او هم به حضور آقا مصطفی رفته و گفته بود: اگر امام علیه کاپیتولاسیون حرف می‌زند مواظب باشد علیه آمریکا حرف نزند. امروز علیه آمریکا حرف زدن خیلی خطرناک‌تر از سخن گفتن علیه شاه است. همین باعث شد که امام در آن سخنرانی خود فرمودند: رئیس‌جمهور آمریکا بداند که امروز در پیش ملت ما از منفورترین افراد بشر است. امروز تمام گرفتاری‌های ما از آمریکاست! و شدیدترین حمله‌ها را به آمریکا کردند."^{۴۰}

۳. آیت‌الله استادی: "امام بارها می‌فرمود: وقتی عکس شاه را در برابر فلان رئیس‌جمهور آمریکا دیدم که آن‌طور ذلیلانه در مقابل او ایستاده بود، بسیار ناراحت شدم، و تلخی این منظره هنوز برای من باقی است که شاه مملکت اسلامی در برابر کافر خدانشناس این‌طور اظهار کوچکی کند."^{۴۱}

۴. حجت‌الاسلام عبدالعلی قرهی: "یکبار که یک هیأت عراقی در نجف به دیدن امام آمده بودند یک مترجم بود که امام فرمودند او را برای ترجمه بیاورید. ما وقتی به آن آقا گفتیم بیاید، ترسید و گفت: این اشخاص به من مثل خوک نگاه می‌کنند و این شخصیت که الان پیش



دشمن شماسست، چرا به ما حمله کردید؟ ما که با شما همکاری داریم. من گلابیه او را خدمت حضرت امام(ره) عرض کردم، امام(ره) در حالی که روی خود را برمی گرداند فرمود: تازه خیلی هم مراعاتتان را کرده‌ام.^{۵۰}

پی‌نوشت‌ها

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۸۹-۴۸۸.
۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۲۷.
۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۲.
۴. همان، ج ۲، ص ۴۷۷.
۵. همان، ج ۱، ص ۴۲۰.
۶. مجله حضور، شماره ۵-۶ ص ۳۸، پاییز ۱۳۷۱.
۷. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی(ره)، ج ۲، ص ۲۳۶.
۸. همان، ج ۲، ص ۲۳۷.
۹. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۱۸.
۱۰. همان، ج ۱۴، صص ۴۰۸-۴۰۷.
۱۱. همان، ج ۱۶، ص ۳۶۳.
۱۲. همان، ج ۹، ص ۲۷۶.
۱۳. همان، ج ۴، ص ۳۱۷.
۱۴. همان، ص ۹۱.
۱۵. همان، ج ۳، ص ۳۲۲.
۱۶. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۹.
۱۷. همان، ج ۱۳، ص ۴۶۶.
۱۸. همان، ج ۱۴، ص ۵۲۲.
۱۹. همان، ج ۱۷، ص ۳۵.
۲۰. همان، ج ۲۱، ص ۸۳.
۲۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۴.
۲۲. همان، ج ۲۱، ص ۸۸.
۲۳. همان، ج ۱۴، صص ۵۲۱-۵۱۹.
۲۴. همان، ص ۵۲۱.
۲۵. همان، ج ۱۱، ص ۱۰۵.
۲۶. همان، ج ۱، ص ۲۲ و ۲۱.
۲۷. همان، ج ۹، ص ۳۹۸.
۲۸. همان، ج ۱۵، ص ۵۰۸.
۲۹. همان، ج ۲۱، ص ۹۰.
۳۰. همان.
۳۱. همان، ص ۹۸.
۳۲. همان، ج ۱۰، ص ۳۶۰.
۳۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۴.
۳۴. همان، ج ۴، ص ۱۱۴.
۳۵. همان، ج ۲۱، ص ۲۲۲.
۳۶. بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۷/۳/۱۴.
۳۷. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴.
۳۸. همان.
۳۹. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴.
۴۰. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹.
۴۱. بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲/۳/۱۴.
۴۲. همان، ۱۳۸۱/۳/۱۴.
۴۳. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی(ره)، ص ۳۰۶.
۴۴. همان، ص ۲۹۳.
۴۵. مهر و قهر (گلچینی از لطافت‌ها و صلابت‌ها در زندگی امام خمینی(ره))، ص ۲۸۰.
۴۶. کیهان، ش ۱۳۳۵.
۴۷. پایه‌پای آفتاب، ج ۳، ص ۱۴۷.
۴۸. در سایه آفتاب (یادها و یادداشت‌هایی از زندگی امام خمینی(ره)).
۴۹. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی(ره)، ج ۲، ص ۳۰۵.
۵۰. همان، ص ۴۱.

در سرفه‌ها و سینه صاف کردن‌های مصنوعی خود پنهان کند، نتوانست ادا کند.

به هر حال، پاسخ گورباچف، همراه با ترجمه آن، پایان یافت.

در این لحظه همه منتظر پاسخ و واکنش حضرت امام(ره) بودند، اما حتی چگونگی آن در مخیله هیچ کس خطور نمی‌کرد. تمام وجود حاضران در چشم‌ها و گوش‌شان فشرده و چشم‌ها به سوی امام(ره) دوخته شده بود.

نماینده ابرقدرت شرق، یک بار دیگر، خود را در برابر برخوردی غیرقابل پیش‌بینی و فوق‌تصور یافت. حضرت امام(ره) بدون تأمل، طی حدود یک دقیقه و در سه فراز با صراحت و فارغ از هر نوع مجامله، جمله‌هایی را فرمودند که ضمن آن، از این که آقای گورباچف، مطلب اصلی-

که اساس نامه امام(ره) بود- در مورد توجه لازم قرار نداده، اظهار تاسف فرمودند. در حالی که مترجم، شروع به ترجمه فراز سوم کلمه‌های امام(ره) کرده بود، حضرت امام(ره) برخاستند و به طرف اندرونی روانه شدند. با آن که همیشه مشتاقان حضرت امام(ره) به محض تشریف به محضرشان، بی‌اختیار به طرف معظم‌له کشیده می‌شدند و دستشان را می‌بوسیدند، این بار، حضرت امام(ره) چه در حال ورود و چه هنگام خروج، با ترکیبی از هیبت و سرعت در حرکت، گویی چنان وضعیت استثنایی و بی‌سابقه‌ای را به وجود آوردند که هیچ کس نتوانست از جایش تکان بخورد و طبعاً برای هیچ کس هم مجال دستبوسی پیش نیامد، چه برسد زمینه‌ای برای مصافحه!^{۳۸}

۷. **حجت‌الاسلام انصاری کرمانی:** "در جریان تصرف لانه جاسوسی، اکثر مسؤولین مخالفت بودند و هر روز مساله تازه‌ای مطرح می‌کردند. یکی می‌گفت: با آمریکا نمی‌شود جنگید، دیگری می‌گفت: آمریکا در منطقه نیرو پیاده کرده، یکی می‌گفت: ناوگان آمریکا آمده است؛ ولی امام(ره) می‌فرمود: آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. لذا وقتی یکی از شخصیت‌های انقلابی از توطئه‌ها گله کرد، امام(ره) با آرامی دست به سینه ایشان زد و فرمود: تو چرا می‌ترسی؟ هیچ طوری نمی‌شود!"^{۳۹}

۸. **دکتر علی اکبر ولایتی:** در جلسه‌ای که امام خمینی(ره) به مناسبت دهه فجر با سفرا و شخصیت‌های خارجی داشتند، به هر دو قطب شرق و غرب تاخند، بعد از اتمام سخنان ایشان، سفیر شوروی سابق نزد من آمد و گفت: آمریکا

نشستن هیأت مزبور در اتاق چیده شده بود و دیگر آن که حاج عیسی یک سینی جای آورد و حاضران همین طور که ایستاده بودند، مشغول نوشیدن آن شدند. به جز مترجم روسی، سفیر شوروی نیز در اتاق بود، ولی دیگر همراهان شوارد نازده در حیاط بودند.

انتظار سنگینی بر فضای اتاق حاکم بود. سرانجام امام(ره) در حدود ساعت هشت و نیم با همان هیأتی که در تلویزیون مشاهده شدند، وارد و بدون تأمل و توقف و بدون این که در چهره کسی نگاه کنند، از میان افراد گذشته و روی جایگاه همیشگی‌شان نشستند. در همین حال، وزیر امور خارجه شوروی نیز روی صندلی نشست.

معمولاً افراد در جلسه‌های استثنایی در آغاز به صورت شبه‌موقت و نامتعادل می‌نشینند و بعد از چند لحظه، همزمان با آرامش و استقرار روانی با یک مانور آرام و حرکتی مختصر، هیأت و شکل ظاهری آنان نیز مستقر و متعادل می‌شود. شوارد نازده به عنوان رئیس دیپلماسی و نماینده ابرقدرت شرق که چهره باصلابت و حرکت‌های باطمأنینه او در محافل بزرگ بین‌المللی و کاخ‌های مجلل قدرتمندان غربی در فیلم‌های خبری بسیار دیده شده است، در این اتاق محقر و ساده، در حالی که شاید برای اولین بار با پای برهنه روی فرش کهنه و رنگ‌باخته در یک مجلس رسمی قدم گذاشته بود، وضعیت دیگری داشت. او برای اولین بار، خود را در ساده‌ترین و بی‌پیرایه‌ترین مفر با یک رهبر بزرگ الهی که شخصیت معنوی او تمام کاخ‌های استکبار را لرزان کرده بود، روبه‌رو می‌دید.

من نمی‌دانم ارتعاش خفیفی که در هنگام خواندن پاسخ گورباچف در دست او مشهود بود، ناشی از پیری بود یا چیزی دیگر! او در اولین لحظه که روی صندلی نشست، وضعیتی غیر مستقر داشت که در نامتعادل بودن کیفیت قرار گرفتن پاهای او مشهود بود. همین وضعیت تا آخرین لحظه که پیام نسبتاً طولانی را قرائت کرد و با سخنان امام(ره) ختم شد، همچنان ادامه یافت. به جز سر و دست مرتعش او بقیه اندامش در طول مدت تشریف به‌سان مجسمه‌های جامد، خشکیده بود.

همچنین همه شاهد بودیم مترجمی که به گفته آگاهان در همه‌جا با تسلط کامل در ترجمه زبان روسی لبلب زبانی می‌کرد، در این مقام، جمله‌ای را بدون لکنت که سعی می‌کرد